

"اقتدار بخشی" به شرکت ملی گاز

نگاه دکتر نرسی قربان، مدیر عامل شرکت نارکنگان و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»



در ماه جاری، وزیر محترم نفت طی حکمی، کلیه مسؤولیت‌های صادرات گاز ایران را به شرکت ملی گاز ایران واگذار کرد. برای خواننده این سطور این سؤال پیش می‌آید که اهمیت این خبر چیست؟ واضح است که مسأله مهمی چون صادرات گاز باید توسط شرکت ملی گاز ایران انجام گیرد. سؤال آن است که دلایل عدم تحقق این مهم در گذشته چه بوده است؟

تا قبل از این اقدام، شرکت ملی نفت ایران مسؤول تولید و عرضه گازی بود که از میداین نفتی و میداین مستقل گاز به دست می‌آمدند و وظیفه شرکت ملی گاز، پالایش، انتقال و توزیع گاز در کشور بود و شرکت ملی صادرات گاز هم وظیفه صادرات را بر عهده داشت. بدین ترتیب شرکت‌های بین‌المللی که به سرمایه‌گذاری در صنعت گاز ایران تمایل داشتند، می‌بایست با سه شرکت مختلف دولتی به تعامل می‌پرداختند. این سه شرکت هر کدام سیاست‌ها و اولویت‌های خاص خود را برای آینده گاز ایران مد نظر داشتند که بعضاً منجر به عدم موفقیت این مذاکرات می‌گردید.

شرکت ملی صادرات گاز ایران در دی ماه سال ۸۱ کار خود را آغاز کرد، به طوری که در اطلاعات سایت اینترنتی آن آمده است که ایجاد این شرکت، در راستای تغییر سیاست شرکت ملی نفت ایران بوده است. متن کامل این موضوع بدین شرح است: "از آنجا که سیاست جدید شرکت ملی نفت ایران، تبدیل شدن به عاملی مهم در بازار جهانی گاز است و با بالا بردن میزان صادرات گاز طبیعی به موازات توسعه میدان گازی پارس جنوبی - به عنوان اصلی‌ترین میدان گازی ایران - هدفی عمده می‌باشد، این شرکت اقدام به ایجاد شرکت تابعه برای تصمیم‌گیری در توسعه، سرمایه‌گذاری، اجرای عملیات و بازاریابی پروژه‌های مربوط به گاز ایران نمود."

پیش از تشکیل شرکت ملی صادرات گاز به صورت جداگانه، شرکت ملی گاز مسؤولیت صادرات را بر عهده داشت. به عنوان نمونه، قرارداد ۲۳ ساله صادرات گاز به ترکیه با حضور و فعالیت شرکت ملی گاز ایران در سال ۱۹۹۶ میلادی به امضا رسید که به تبع آن، صادرات گاز هم عملی شد. در این بین، علیرغم آن که سقف صادرات گاز طبق قرارداد به ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۷ نرسیده است، ولی همچنان صادرات گاز ادامه داشته و موفقیت‌آمیز بوده است.

در طول ۸ سال گذشته، یعنی از سال ۸۱ - که شرکت ملی صادرات گاز ایران تشکیل شده است - تاکنون، توافق‌نامه‌های متعددی در مورد صادرات گاز ایران با کشورهای مختلف امضا شده که هیچ کدام به مرحله اجرا

نرسیده‌اند. در این خصوص، عدم موفقیت شرکت ملی صادرات گاز ایران برای صادرات در این مدت طولانی به تحریم‌های موجود نسبت داده شده، ولی به نظر اینجانب، ناکارآمدی ساختاری در صنعت گاز و نفت ایران در این رابطه دلیل دیگری برای این ناکامی بوده است.

دلیل واسپاری مسؤولیت شرکت ملی صادرات گاز به شرکت ملی گاز در متن حکم وزیر نفت در این مورد گویای این نظریه است: "نظر به این که یکپارچه سازی صادرات گاز طبیعی در زمینه‌های مطالعات و بررسی‌های تخصصی مبتنی بر الزامات و شرایط بازار از جنبه مالی، حقوقی، فنی و بازرگانی و سایر امور مرتبط در چارچوب سیاست‌ها و خط مشی کلی برنامه‌های مصوب کشور و وزارت نفت، در حوزه مسؤولیت‌ها و وظایف شرکت ملی گاز ایران می‌باشد، بدین وسیله مقرر می‌نماید شرکت ملی صادرات گاز ایران از تاریخ این ابلاغ، از حوزه مسؤولیت شرکت ملی نفت ایران منتزع و به شرکت‌های ملی گاز ایران منتقل گردد." به نظر می‌آید که وزیر نفت در راستای تحقق یک ساختار بهتر و با مطالعه عملکرد قبلی به این نتیجه رسیده است که این قدم مثبت را برای استفاده بهینه از منابع گاز کشور بردارد.

اعطای اختیارات بیشتر

اقدام بسیار مهم دیگری که می‌تواند نقش شرکت ملی گاز ایران را در ۲۵ سال آینده در منطقه و جهان پُررنگ نماید، واسپاری کلیه عملیات مربوط به تولید گاز به این شرکت است. اینجانب در مقالات مختلف در نشریات داخلی و خارجی طی ۱۲ سال گذشته، مرتباً به این مسأله اشاره نموده و معتقدم که شرکت ملی گاز ایران باید مسؤول واقعی گاز کشور باشد. از سوی دیگر، اجرای اصل ۴۴ می‌تواند کلیه ساختار شرکت ملی گاز ایران را دگرگون کند و اگر بخش بالا دستی گاز به این شرکت انتقال نیابد، نقش آتی شرکت و اهمیت آن به تدریج کم‌رنگ می‌شود.

قدم بعدی در راستای حکم اخیر وزیر نفت آن است که تولید گاز هم در کنترل شرکت ملی گاز باشد. ساختار فعلی که تولید گاز را در اختیار شرکت ملی نفت قرار داده، با یکپارچه سازی عملیات شرکت ملی گاز مغایرت دارد و بر مبنای واقعیات گذشته بوده است. در زمان کنسرسیوم،

عملاً تولیدات گاز همراه نفت سوزانده می‌شد و نگاه به این منبع مهم، به صورت تولید همزمان فرآورده‌ای که بدان احتیاج است نبود. در سال‌های ۴۲ تا ۵۶ گازهای تولیدی به همراه نفت برای مصارف داخلی و صادرات به روسیه، مورد استفاده قرار گرفتند و نیاز به گاز بیشتر برای مصارف داخلی و صادرات، توسعه منابع مستقل گاز را به دنبال داشت. در سال‌های پس از انقلاب، تولید گاز از منابع مستقل گازی کشور برای نیازهای داخلی از جمله تزریق به حوزه‌های نفتی برای بازیافت مجدد از اولویت زیادی برخوردار شد. در حال حاضر، گاز نه تنها یک فرآورده جانبی نبوده، بلکه تولید آتی نفت هم به آن وابسته است. در چنین شرایطی، نگاه دوباره به ساختار تولید گاز و واگذاری آن به مجموعه گاز در راستای یکپارچگی صنعت گاز کشور از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. اگر تولید گاز هم در ساختار شرکت ملی گاز باشد و کلیه عملیات تولید، پالایش، انتقال و صادرات در اختیار آن قرار گیرد، این شرکت به یک مجموعه عظیم و قدرتمند تبدیل می‌شود که می‌تواند همانند گاز پروم در روسیه و یا شرکت‌های سوناتراک در الجزایر و شرکت ملی نفت و گاز قطر در کلیه مسائیل مربوط به گاز تأثیر گذار باشد و شرکت‌های بزرگ جهانی هم با یک شرکت ملی در مورد گاز ایران مذاکره و تعامل نمایند.

شرکت ملی گاز ایران برای قدم نهادن در عرضه جهانی باید اقتدار لازم را برای ورود به همه زمینه‌های صنعت گاز اعم از تولید، پالایش، انتقال، توزیع و صادرات داشته باشد؛ همان طوری که شرکت ملی نفت ایران این اقتدار را در مورد تولید، پالایش، پخش و صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی دارد. پیشنهاد می‌شود وزیر محترم نفت به دنبال این قدم مثبت برای یکپارچه کردن صنعت گاز، اقدامات بعدی را نیز بررسی نمایند و شرکت ملی گاز ایران را به صورت واقعی متولی صنعت گاز کشور نمایند. ■

در خلال سال‌های گذشته، بحث واگذاری فعالیت‌های شرکت صادرات گاز به مجموعه شرکت ملی گاز ایران از مباحثی است که بارها توسط دکتر نرسی قربان، عضو هیأت تحریریه ماهنامه، پیشنهاد شده است. این پیشنهاد بالاخره به تأیید وزیر نفت رسید. این مایه مباحث ماهنامه «اقتصاد ایران» است که در سایه تمامی اعضای محترم هیأت تحریریه خود، راهکارهای اصولی، کاربردی و علمی متعددی را در راستای توسعه متوازن اقتصادی کشور ارائه کرده است.

سر دبیر